

## آثار حقوقی صلح دائم در اسلام

علی علمی/دانش پژوه دکتری فقه سیاسی

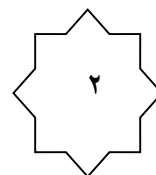
### چکیده

جنگ و منازعه، در سطح وسیع بین دو یا چند کشور، پدیده ای است که، گاهی اوقات چاره ای از آن نیست-به جهت دفع تهاجم و یورش دشمن، یا پاسداشت ارزشها و هنجارهای اسلامی-اما در شرایط عادی، این معضل، صدمات و خسارات جبران نا پذیری را وارد می سازد. لذا با توجه به اینکه، آرامش و ثبات در کشور اسلامی، محور تمام پیشرفتها محسوب می گردد؛ بیش از پیش، اهمیت و جایگاه صلح دائم-که از موضوعات حقوق بین الملل عمومی و اسلامی است- مد نظر قرار گرفته است. یکی از محورهای مهم در این موضوع، پرسش از آثار حقوقی صلح دائم است که در این پژوهش، سوال کلیدی محسوب می گردد. صلحی که عزت مدار و شرافتمندانه باشد، در بردارنده آثار حقوقی متعددی است. از جمله می توان به: امنیت-که در عرصه های مختلف سیاسی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و غیره نقش مهمی را داراست-، ایجاد وحدت و همدلی، تحقق عدالت، تجدید قوای نیروهای نظامی و غیره، اشاره نمود.

**کلید واژه ها:** آثار، حقوق، صلح، صلح دائم، اسلام.

## مقدمه

یکی از پدیده های اساسی که در آغاز خلقت انسان و جهان طبیعت، دارای نقش چشم گیر و شگرف در امنیت و آرامش همه جانبه می باشد و تاثیر بسزایی در پیشرفت قابل توجه انسانها دارد، صلح و آرامش دایمی است. با برقراری و ثبات همیشگی و نبود در گیریهای مخرب و زیان آور، زمینه های بسیار مناسبی برای توسعه و پیشرفت اجتماع بشری مهیا می گردد. به گونه ای که این امر، به عنوان مساله ای حیاتی و هدفی بسیار گرانبقدر، ارزیابی می گردد. به همین جهت است که در مطالعات صلح، از روانشناسان، دانشمندان علوم سیاسی، پزشکان و محققان مذهبی توأمان استفاده می شود (آقایی و خاطری، ۱۳۸۴: ۲۴۶) و امانوئل کانت در زمینه صلح پایدار، رساله ای تالیف می کند (کانت، ۱۳۸۰). لذا یکی از ارکان قابل توجه برای تعاملات ملتها و دولتها، روابط دوستانه می باشد که، در سایه صلح، امکان پذیر می گردد. داشتن مناسبات سازنده یکی از محوری ترین دلایل نفوذ فرهنگ جهانی اسلام و گسترش معارف ناب و حقیقی این مکتب الهی است که، می تواند سکان دار مدیریت و راهنمایی بشر را در همه قرون عهده دار گردد. مانند دو صلحی که در زمان پیامبر منعقد گردید: منشور مدینه و صلح با یهود. و در تاریخ غرب برقراری اولین کنفرانس صلح بین المللی بنام صلح ورسای بین ۳۲ ملت در ۱۸ ژانویه ۱۹۱۹ (بزرگمهری، ۱۳۸۸: ۲۶۱). لازم به یادآوری است، صلح در اسلام وقتی دارای آثار مثبت و سازنده است که، شرافتمندانه باشد و الا همیشه اینگونه نیست که اصالت، با صلح باشد و در بعضی موارد جنگ و درگیری برای احقاق حقوق، حفظ کیان و مرزها و پاسداری از اقتدار اسلام و مسلمین، لازم می باشد. لذا یکی از دغدغه های نگارنده این است که، صلح چه آثار حقوقی را در بر دارد. و سوال اساسی این پژوهش مبنای این نوشتار می باشد که، آثار حقوقی صلح دائم در اسلام چیست. لازم به یادآوری است که بحث صلح، به طور کلی در دو بخش، مورد بررسی قرار می



گیرد: حقوق مدنی و حقوق بین الملل عمومی. در این تحقیق، صلحی مورد کنکاش واقع می شود که، موضوع بحث حقوق بین الملل عمومی می باشد.

## ۱. مفهوم شناسی

دریافت صحیح و روشن از این بحث، منوط به بیان مفاهیم و واژه های بکار رفته در این پژوهش می باشد که، در این بخش ارائه می گردد.

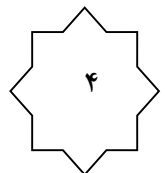
### ۱-۱. حق

۱-۱-۱. معنای لغوی؛ در چند معنی استعمال گردیده است: راست و درست، راستی و درستی، عدل و انصاف، سزاواری و شایستگی، نصیب و ملک و مال (معین، ۱۳۸۳: ۱۳۶۳) و آنچه شخص به حکم طبیعت، عرف، شرع، یا قانون، در اختیار و امکان برخورداری از آن یا تصاحب آنرا دارد. (انوری، ۱۳۸۱: ۲۵۴۷) و همچنین راست کردن سخن، درست کردن وعده، یقین نمودن (دهخدا، ۱۳۳۸: ۷۳۷) و قدرت یا امتیازی که کسی یا جمعی سزاوار برخورداری از آن می باشد. و به موجب قانون یا عرف مقرر شده باشد. اصولاً افراد جامعه بر اثر روابط و مناسبات خود یک رشته اختیارات به دست می آورند که، مجموعه آنرا، حقوق می نامند که مشتمل بر اختیارات مدنی، اجتماعی، سیاسی و همه مزایا و سلطه هایی است که، از قانون ناشی می شود. (آقا بخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۵۹۴) با توجه به تعاریف لغوی که از حق ارائه گردید، راستی و درستی و آن امتیازاتی که از طریق قانون، به شخص واگذار می گردد، معنای حق را روشن می گرداند. در معنای واژه حق دو جهت روشن گشت، فطری بودن این معنی که نشان دهنده عدل، انصاف و قانونی بودن آن می باشد.

۱-۲-۱. معنای اصطلاحی: تعریفی دقیق از حقوق، بدلیل تعدد مکتبهای فلسفی و اجتماعی و افزایش پیوندها در این زمینه، امکان پذیر نمی باشد. لذا به بیان دو تعریف بسنده می شود: حقوق جمع حق است و عبارت است از مجموعه مقرراتی که، بر روابط افراد یک جامعه سیاسی، حاکم است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۱۲) و همچنین مجموعه ای از قواعد الزام آور و کلی است که، به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت، بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می کند. و اجرای آن از طرف دولت تضمین می شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۶۶۶) پس حقوق، مجموعه قواعد و مقرراتی است که در بستر جامعه شکل می گیرد و دارای ضمانت اجرایی هم می باشد. چگونگی تعاملات و روابط افراد را رقم می زند و باعث شکل گیری مناسبات قانونمند می گردد.

۱-۲-۲-۱. حقوق بین الملل: عبارت است از مجموعه اصول و قواعد الزام آوری که، بر گونه های مختلف روابط بین الملل حاکم است. (سلیمی، ۱۳۸۲: ۵۱) این عرصه و گونه ها ممکن است که حقوقی، نظامی، اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی باشد. با توجه به موضوع این پژوهش، حقوقی مد نظر است که در سایه صلح دائمی به دست می آید.

۱-۲-۲-۲. حقوق بین الملل عمومی: عبارت است از، مجموعه قواعد حاکم بر روابط اعضاء جامعه بین المللی. و مجموعه رسوم و عهدنامه های بین المللی که مراعات آنها در روابط دولتها، الزام آور است. همچنین شاخه ای از حقوق عمومی، که روابط متقابل دولتها، حقوق، تکالیف دولتها، سازمانهای بین المللی و مناسبات آنها را با یکدیگر، تعیین می کند. (آقا بخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۵۵۷) این بخش از حقوق در اسلام، با توجه به معارف و آموزه های این دین حنیف، می تواند پیوندی ناگسستنی بین ملتهای مسلمان، ایجاد نماید که منجر به، یکپارچگی کشورهای اسلامی گردد.



۳-۲-۱. حقوق بین الملل اسلامی: آن قسمت از قانون و عرف راجع به تعهدات سرزمینی و قراردادی که یک دولت اسلامی آنرا در روابط خود با سایر دول مراعات می کنند. (حمیدالله، ۱۳۸۳: ۱۰)

## ۲-۱. صلح

۲-۱-۱. معنای لغوی؛ الصلح و الصلاح: ضد الفساد و از بین بردن نفرت از میان مردم (راغب، ۱۴۱۶: ۴۸۹) و عبارت است از آشتی و سازش. (مشیری، ۱۳۷۴: ۶۷۴) و حالتی که بر اثر پایان گرفتن یا نبودن جنگ و ناآرامی پدید آید، عمل یا فرایند پایان بخشیدن به جنگ یا اختلاف و دست کشیدن مدعی یا صاحب حق از خود و واگذاشتن آن به دیگری در عوض چیزی یا بدون آن. (صدری افشاری و حکمی، ۱۳۷۵: ۷۶۲) و همچنین، اتفاق و اجماعی است که منجر به ترک جنگ، بین چند طرف می گردد و حالت آرامش بینشان، برقرار می گردد. (عطیه الله، ۱۹۶۸: ۷۲۵) از مجموعه تعاریف لغوی صلح، نبود جنگ و درگیری و حاکم گشتن آرامش و ثبات، بدست می آید.

۲-۲-۱. معنای اصطلاحی: این مفهوم با مفاهیم لغوی از صلح، شباهت معنایی فراوانی دارد. لذا به بیان تعریف فرهنگ علوم سیاسی بسنده می شود: حالت آرامش و امنیت عمومی در کشور و روابط عادی با کشورهای دیگر. فقدان جنگ و نیز فقدان نظام تهدید. و فقدان جنگ، توسعه مناسبات و همیاری ملتها. (آقا بخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۴۹۷) البته لازمه وجود صلح، گسترش روابط بین ملتها و همکاری و همزیستی مسالمت آمیز در زمینه های مختلف می باشد. آنهم در صورتی که صلح پایدار و شرافتمندانه باشد و هر کدام از طرفهایی که این قرارداد را امضاء نموده اند، پایبندی خود را حفظ نمایند و تجاوز و تعدی به همسایگان خود اجتناب ورزند.

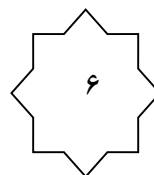
۲-۲-۱-۱. همزیستی مسالمت آمیز: یکی از واژگانی که می تواند، مترادف کلمه صلح بکار رود، همزیستی مسالمت آمیز می باشد که، عبارت است از: نحوه مناسبات بین کشورهای

که دولتهای آنها دارای نظامهای اجتماعی و سیاسی مختلف هستند. یعنی رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت و تمامیت ارضی هر کشور کوچک یا بزرگ، عدم مداخله در امور سایر کشورها، احترام به حق کلیه جوامع انسانی در انتخاب آزاد نظام اجتماعی خویش و حل و فصل مسائل و اختلافات بین المللی از طریق مذاکره. (آقا بخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۴۹۷)

دو واژه صلح دائم و همزیستی مسالمت آمیز، در حقوق و روابط بین الملل، از جهت عملکرد یکسان و دارای عینیت می باشند. ولی در عین حال در تعریف هم شباهتهای زیادی با هم دارند و بسیاری از واژگانی که در تعریف همزیستی بکار رفته است، از جنس واژگانی است که، در تعریف صلح دائم بکار می رود.

## ۲. ماهیت

طبیعت بشر، در تعاملات و روابطی که در عرصه های متفاوت زندگی اجتماعی و سیاسی با هم نوعان خود برقرار می کند، با در نظر نگرفتن علل و عوامل خارجی، حالت همزیستی مسالمت آمیز و صلح می باشد. به گونه ای که تلاش برای صلح، همواره به موازات کوشش برای جنگ و درگیری در روابط بین ملتها ادامه داشته است و تمامی دولتها برای هر کدام از صلح و جنگ-بویژه صلح-راهبردهای متفاوتی ارائه می دهند. در بیان نظریه و تدوین چشم انداز زندگی بشری در کشورهای مختلف، پیشرفت و توسعه بدون در نظر گرفتن مساله صلح و حالت آرامش و ثبات منسجم، امکان پذیر نمی باشد. در این راستا، همه کشورها، برنامه ها و ایده های مختلفی را ترسیم می کنند و هر یک از دولتهای ایشان، مبنای نظریه ای را ارائه می دهند. به این ترتیب مساله صلح، از اولین و مهمترین حقوق بین الملل موضوعه است و در اسلام نیز، زیر بنای اصلی فقه سیاسی خارجی و بنیان حقوق بین الملل محسوب می گردد. در اسلام و فقه اسلامی مساله صلح، مورد توجه خاص فقهاء و اندیشمندان می باشد. قاعده کلی فقهی که جواز صلح را می توان استنباط نمود، از حدیث



نبوی سرچشمه می گیرد که: «الصلح جائز بین المسلمین الا صلحا احل حراما او حرم حلالا»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۱۳) پس قاعده و اصل، جواز صلح است. تا زمانی که حلالی را حرام و حرامی را حلال نگرداند. با توجه به اطلاق کلمه صلح در این حدیث شریف، هم شامل صلح در محدوده حقوق خصوصی و مدنی می شود و هم صلحی که در حقوق بین الملل عمومی، مد نظر است. لذا صلح عقدی است که، مورد توافق و تسالم دو طرف (در سطح منطقه) یا بین چند طرف (در سطح جهانی) واقع می گردد. لذا فقهاء، صلح عقدی را اینگونه تعریف نموده اند: «هو عقد شرع لقطع التجاذب و یصح مع الاقرار و الانکار»<sup>۲</sup> (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۱۱) در هر صورت صلح، قراردادی مستقل می باشد و از مصادیق اوفوا بالعقود (مآئده ۱) و مشمول لزوم وفای به عهد می باشد و در روابط بین الملل نیز مشروعیت دارد. همچنین موضوع صلح در آیات قرآن کریم از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. «فالصلح خیر» (نساء/ ۱۲۸)، «فمن خاف من موص جنفا او اثما فاصح بینهم»<sup>۳</sup> (بقره/ ۱۸۲)، «وان جنحوا للسلم فاجنح لهل و توکل علی الله»<sup>۴</sup> (انفال/ ۶۱)، «انما المومنون اخوه فاصلحوا بین انخویکم»<sup>۵</sup> (حجرات/ ۱۰). «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین»<sup>۶</sup> (بقره/ ۲۰۸)، «فان اعتزلوکم فلم یقاتلوکم و القوا الیکم السلم فما جعل الله لکم علیهم سبیلا»<sup>۷</sup> (نساء/ ۹۰)، «فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم»<sup>۸</sup> (انفال/ ۱) در سنت نیز، در زمینه صلح، سفارشات زیادی موجود می باشد. از جمله: پیامبر اکرم (ص) در سفارشات خود نسبت به مسلمانانی که برای دعوت مدینه را ترک می کردند، می فرمود: با مردم انس بگیرید و با آنان مدارا کنید و آنان را به راه بیاورید، تا وقتی که دعوت خود را به پایان نرسانیده اید، نسبت به آنها خشونت و تغییری نشان ندهید، در روی زمین هیچ خانواده ای وجود ندارد، مگر آنکه در نظر من، اسلام آوردن آنها بهتر است از اینکه، با آنها جنگ کنید (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۲۲۷)

## ۳. آثار حقوقی

قبل از بیان این بخش، لازم به ذکر است که هر گونه صلحی، در بردارنده این آثار نمی باشد. بلکه صلحی مد نظر است که، شرافتمندانه و عزت مدار باشد. و حاکم اسلامی در انعقاد آن، مصالح امت اسلامی و وضعیت مسلمین را در نظر بگیرد. و آگاهانه و با توجه نمودن به، همه جوانب به این امر، اقدام نماید.

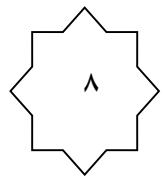
### ۱-۳. امنیت

یکی از نتایج و پیامدهای مهم صلح، برقراری امنیت در همه جوانب و ثبات همیشگی است که، یکی از فلسفه های بدیهی این پیمان می باشد. در بخشی از فرمان علی (علیه السلام) به مالک اشتر وقتی او را به فرمانداری مصر انتخاب می نماید، آمده است که: «و لا تدفعن صلحا دعاک الیه عدوک و لله فیه رضی فان فی الصلح دعه لجنودک و راحه من همومک و امنا لبلاذک...»<sup>۹</sup> (نهج البلاغه / نامه ۵۳).

این امنیت در عرصه های مختلف قابل تحقق است:

#### ۱-۱-۳. امنیت سیاسی

همزیستی مسالمت آمیز و عدم مداخله در امور کشوری، نقش مهمی در برقراری امنیت در همه جنبه ها دارد. این جو سالم و بدور از تشنج، باعث برقراری ارتباطات صحیح و مناسب حکمرانان در جهت مدیریت کلان امور جامعه می باشد. و از سوی دیگر مردم نیز، در این زمینه، نقش بسزایی را ایفاء می کنند و می توانند بر چگونگی سیاست گذاریها و اداره و سازمان دادن مدیریتها توسط حکومت، نظارت مناسبی را اعمال کنند. به همین جهت است که، رفتار و ارتباط مفید مردم و مدیران جامعه، باعث ارتقاء سطح امنیت سیاسی می گردد.





هنگامی که افراد، گروهها و ملتها، فرصت و آزادی کافی برای اعمال حاکمیت بر سرنوشت خویش را دارا باشند و چیزی مانع- مانند جنگ- رسیدن آنها به این حق نشود، از امنیت سیاسی برخوردار می باشند. (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۱۰۹)

### ۲-۱-۳. امنیت اقتصادی

جنگ یکی از عواملی است که، باعث رکود و بحران، در جریان پیشرفت اقتصاد یک جامعه می گردد. این پدیده، باعث بهم ریختگی نظام تولید منسجم می گردد. و موجب بی نظمی در چرخه عرضه و تقاضا می گردد. و واردات و صادرات را که نقش مهمی در شکوفایی اقتصادی یک ملت دارد، را به چالش می کشاند. و بجای اینکه بودجه ها در محل مناسب تخصیص داده شود، گاهی اوقات بخاطر ضرورت، صرف امور جنگ و تهیه ادوات جنگی و مصارف مربوط می شود. ولی با وجود صلح، بستر بسیار مناسبی برای به کار افتادن چرخه اقتصادی مهیا می شود. و بودجه های کشور در موارد مناسب و صحیح به مصرف می رسد. و موجب امنیت روانی و آسایش سرمایه گذاران می گردد و در این راستا، رفاه عمومی تقویت می شود.

### ۳-۱-۳. امنیت نظامی

این گونه از امنیت، با مساله صلح و همزیستی مسالمت آمیز، ارتباط مستقیم دارد و نقش آن غیر قابل انکار است. این نوع از امنیت هم با ابزار نظامی به خطر می افتد و هم با ابزار نظامی تامین می شود و جنس آن نظامی است. (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۹۱). صلح در حقیقت، زمینه ساز امنیت نظامی می باشد و در همین راستا، تقویت بنیه دفاعی و نظامی، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. ولی در بعضی موارد، برای تامین امنیت نظامی، جنگ ناگزیر می گردد. و آن در صورت دفع نمودن تهاجم دشمن و دفاع از مرز و بوم و کیان کشور است.

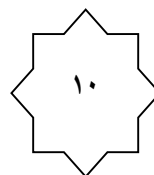
ولی همیشه این گونه نیست که، جنگ در هر شرایطی، امنیت نظامی را به ارمغان آورد و در سایه امنیت، استقلال یک ملت و ادامه حیاتش، امکان پذیر می‌باشد.

### ۳-۱-۴. امنیت اجتماعی

یکی از عواملی که باعث بروز و ظهور ناهنجاریهای اجتماعی مانند سرقت، راهزنی، آدم ربایی، تبعید، ضرب و جرح، قتل، تجاوز، گروگان گیری، کلاهبرداری و غیره می‌گردد، تنزل احساس آرامش و آسودگی با شروع جنگ می‌باشد. جنگ و درگیریهای مداوم، موجب نا امنی های وسیع در سطح جامعه می‌گردد. و در نتیجه موجب تضعیف نیروهای انتظامی و دستگاه قضایی، در برخورد با اخلال گران نظم اجتماعی می‌شود. نظم و انسجام جامعه، دچار بحران شده و عفت عمومی با جرم، جنایت و فحشاء، لکه دار می‌شود. اما در صورتی که جو آرامش و سکون در جامعه حکمفرما گردد، زمینه بسیار مناسبی برای ارتقاء امنیت اجتماعی، فراهم می‌گردد. و زمینه سوء استفاده برخی افراد و گروهها از بین می‌رود. و حقوق شهروندان جامعه، در بستر اجتماع رشد نموده و در سایه صلح، اهداف کلان مردم و حاکمیت سیاسی، محقق خواهد شد.

### ۳-۱-۵. امنیت فرهنگی

فرهنگ در تمامی عرصه های زندگی بشر، مانند اقتصاد، آموزش و پرورش، سیاست، مدیریت، امور خانواده، روابط جوامع و افراد با یکدیگر و غیره، نقش چشمگیر و شگرفی دارد. فرهنگ صحیح، مثبت و سازنده به زندگی معنی، مفهوم و هدف می‌بخشد. و در راستای تکامل جوامع بشری بطور کلی و جوامع مسلمان بطور اخص، جایگاه محوری و مهمی را به خود، اختصاص داده است. با گسترش فرهنگ اسلامی در سایه امنیت هدفمند و پابرجا، افق روشنی برای کشور اسلامی در تعامل با کشورهای غیر اسلامی دمیده خواهد شد. و در جذب افراد غیر مسلمان به این دین حنیف و جامع، بسیار موثر می‌باشد. اما یکی از موانع بسیار جدی بر سر راه امنیت فرهنگی، جنگ و نا امنی در بین مردم می‌باشد و در جو پر تنش و



متشنج است که، ضربات جبران نا پذیری، بر فرهنگ وارد خواهد شد و مسائل فرهنگی با چالش و بحران جدی مواجه می گردد.

### ۳-۱-۶. امنیت زیست محیطی

چند عنصر، نقش کلیدی و سرنوشت ساز برای زندگی بشر، حیوانات و گیاهان دارد: آب، غذا و هوا. انسانها وقتی می توانند زندگی خوبی داشته باشند، که از آب کافی، غذای مناسب و هوای قابل استفاده بهره مند گردند. یکی از موارد مهم در چرخه حیات، آب هست که بقای همه موجودات، به آن، بستگی دارد. جوامع انسانی از جهات مختلف به آن نیاز دارند: مصارف بهداشتی، خوراکی، کشاورزی، نظامی، صنعتی و غیره. زمینهای کشاورزی، باغهای میوه، حوضچه های پرورش ماهی، دامداریها و بسیاری دیگر از مراکز تولیدی، برای فعالیت خودشان باید به آبی سالم، دسترسی داشته باشند. و نیز تغذیه مناسب و سالم برای انسان، در گرو سلامت طبیعت و حاصلخیزی خاک می باشد. لذا در صورت امنیت زیستی، کشاورزی و دامداری، رونق خوبی می گیرد و محصولات غذایی به وفور به دست مردم می رسد. همین طور در صورت پاکی هوا، انسانها، وحوش و گیاهان، هوای سالم را استنشاق می کنند. و از آن بهره مند می شوند. اما در صورتی که نا امنی با جنگ ایجاد گردد، خسارتهای بسیاری به بار می آید: خراب شدن زمینهای کشاورزی، نا بودی گونه های گیاهی، محصولات باغی و مجتمع های دامداری، به جهت بمبارانهای هوایی و موشکی دشمن، غیر قابل استفاده شدن بعضی زمینهای حاصلخیز، به جهت مین گذاری دشمن، آلوده شدن هوا، آب و زمین در اثر بمباران و حملات شیمیایی، مرگ و میر بسیاری از دامها و طیور، بخاطر هوا یا آب آلوده، ضعیف شدن تولیدات کشاورزی و دامپروری و دهها مشکل دیگر برای محیط زیست.

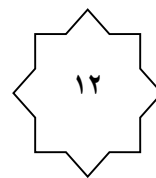
با دقت می توان دریافت که از بین اقسام مختلف امنیت که ذکر گردید، امنیت زیست محیطی، از اهمیت خاصی بر خوردار می باشد که، در صورت نا امنی آن، سلامت تمام موجودات را به خطر می اندازد.

### ۷-۱-۳. امنیت خانوادگی

یکی از مقدس‌ترین نهادها و نظامها در اسلام، نهاد یا نظام خانواده است که، پایه و اساس تمام خوشبختی‌ها یا بدبختی‌ها، محسوب می‌شود. کانون خانواده، مرکز سازماندهی و حرکت و تلاش به سمت کمال و سعادت می‌باشد، که مجموعه‌ای از فعالیتها در آن صورت می‌گیرد: فعالیتهای علمی و فرهنگی، اجتماعی، عاطفی، اقتصادی و غیره. در حالت همزیستی مسالمت آمیز و نبودن جنگ در جامعه، این محور مهم سازندگی، کارکردهای اساسی خود را، به خوبی ایفاء می‌کند: تربیت فرزندان، تحصیل علم و دانش، تهیه مسکن، امرار معاش و اقدام برای تشکیل خانواده و غیره. و در یک کلام، رقابت مثبت و سازنده در خانواده برای بدست آوردن سعادت و کامیابی. اما در صورت درگیریهای نظامی و جنگ، ترس و وحشت، اضطراب و استرس بر نظام خانواده سایه می‌اندازد و تمام فعالیتهای مفید این مجموعه، دچار چالش می‌گردد. فعالیت اقتصادی ضربه می‌بیند، آینده شغلی شغالی پیش رو ندارند، تحصیل علم با وقفه و عیب مواجه شده و از جهت روانی، خانواده در یک بلا تکلیفی به سر برده و از حالت طبیعی خود، خارج می‌شود، زیرا ناامنی و بحران در تمام عرصه‌های فعالیت خانواده، سایه می‌افکند.

### ۸-۱-۳. امنیت قضایی

در محیطی آرام و جامعه‌ای بدور از تنش و زد و خورد، دادگستری و نظام قضایی، در سایه امنیت و آسایش، وظایف خود را میتوانند در تمامی عرصه‌ها به خوبی به انجام برسانند. و در این زمینه، همکاری نیروهای قضایی با قوای مسلح، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. لذا در تمامی مراحل قانونی برخورد با متخلفین، مانند بررسی صحنه جرم، بازرسی و بازپرسی در این خصوص، دستگیری متهمان، انجام وظیفه وکلای مدافع، نحو دادرسی، نحو صدور حکم، نحو اجرای حکم، چگونگی تجدید نظر در حکم صادره دادگاه، بازبینی مجدد این احکام و غیره، آرامش به چشم می‌خورد و تمامی مراحل سیر طبیعی خود را طی می‌کند.



کند. و اجحافی صورت نخواهد گرفت. و در اختلافات یا موضوعات مختلف، مسیر مشخص و شفاف می باشد. ولی اگر کشوری در حالت فوق العاده و جنگ به سر ببرد، در تمامی مراحل و عرصه های مختلف قضاوت، کمبودها و نقاط ضعف به چشم می خورد و دستگاه قضاوت و دادگستری دچار پریشانی و آشفتگی در اجرای وظایف خود می گردد. بطور مثال، مسوولین مربوط به صحنه جرم یا نمی رسند و یا خیلی با تاخیر حاضر می شوند، صدور حکم با وقفه مواجه می گردد، ممکن است اجرای حکم تعطیل شود، یا به موقع صورت نگیرد. وکلای مدافع، حالت روانی مناسبی برای تفهیم اتهام یا دفاع از موکل خود را ندارند، قاضی در صدور رای و در اداره دادگاه، با تردید و شک برخورد می نماید، تشکیل دادگاهها با تاخیر صورت می گیرد، در بعضی مواقع متهمان، موفق به فرار از کشور می شوند و غیره.

### ۲-۳. تجدید قوای ارتش و نیروی نظامی

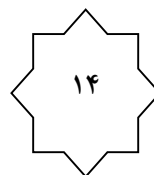
جنگ و درگیریهای مسلحانه مداوم، باعث تضعیف روحیه نظامیان، افسران بلند پایه و سربازان شده و موجب کاهش تسلیحات و جنگ افزارهای اساسی می شود. این پدیده باعث فرسایش تدریجی ادوات، ابزار و مهمات، خستگی و پژمردگی برنامه ریزان جنگ و مدیران بلند پایه، در این عرصه می گردد.

این امور مهم، در خیلی از صحنه های نبرد، موجب سوء تدبیر جنگی، غافلگیر شدن نیروهای خودی و شکست عملیات می گردد. کمبود بودجه، ضعف تدارکات و پشتیبانی از خط مقدم و افزایش فشار افکار عمومی مبنی بر طولانی شدن جنگ، بر اهمیت محوری صلح و پذیرش آتش بس، دلالت می نماید. با توجه به آیه شریفه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم...» (انفال/۵۴) و نقش بسیار مهم صلح، بدست می آید که در این زمان فرصت بسیار مناسبی، جهت رسیدگی به امور ارتش و نظامیان بدست می آید. استراحت نیروهای خسته و رزمنده و دادن فرصت به ایشان برای تجدید قوا، جذب و گزینش سربازان جوان و با انگیزه، استخدام کادر قوی و مجرب برای آموزشها و مهارتهای

رزمی، دایر نمودن موسسات، آموزشگاهها و دانشکده های پیشرفته و کارآمد در این زمینه، تعمیر و بازسازی اسلحه ها و مهمات فرسوده، تقویت توان تهاجمی و دفاعی، باز دارندگی و لجستیکی نیروهای نظامی و انتظامی، دادن زمینه جهت شکوفایی استعداد های نیروهای جوان در زمینه ساخت سلاحهای جدید و با کیفیت بالا، برای دفاع از حریم و کشور اسلامی، گسترش توان اطلاعاتی و عملیاتی برای خنثی نمودن توطئه های دشمن، برنامه ریزی های کلان و بلند مدت راهبردی، در جهت مدیریت قوی و کارآمد نیروهای زمینی، هوایی و دریایی در این راستا و بالاخره نظارت و فرماندهی کل قوا و ولی فقیه، بر حسن اجرای تمامی این امور. این امور و مواردی از این دست، از فواید فضای آرام و دور از جنجال جنگ می باشد.

### ۳-۳. عدالت

از آنجایی که گسترش عدالت، از مقدس ترین آرمانهای بشری بشمار می رود. و قالب حکمرانان و روسای کشورها، هدف حکومت خود را بر قراری عدالت معرفی می کنند، لذا در آموزه های دین اسلام هم، اهمیت ویژه ای به مساله عدالت داده شده است. اما با توجه به تعریف عدالت - ایتاء کل شی حقّه یا وضع الشی فی موضعه- و جایگاه آن در استحکام پایه های دولت اسلامی، یکی از آثار برقراری صلح و همزیستی مسالمت آمیز، می تواند تحقق عدالت باشد. این موضوع، در بسیاری از عرصه ها، قابل اعمال می باشد: مانند عدالت اداری، عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی، عدالت اخلاقی، عدالت نظامی و عدالت حقوقی. البته لازم به ذکر است که، بهره مندی از امکانات دولت اسلامی و صرف وجوه بیت المال باید بطور مساوی صورت گیرد. به گونه ای که زمینه پیشرفت، کمال و تحصیل علم برای همگان وجود داشته باشد. اما در صورتی که عده ای با زحمت و تلاش ارزش ساعات عمر خود را دانسته و از زمینه های لازم به بهترین صورت استفاده نموده - آنهم در ابعاد مختلف علمی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی و غیره- آنگاه دولت اسلامی در بهره برداری از تخصص



و توانمندی ایشان، باید جایگاه و منزلت ایشان را در اعطای حقوق و مزایا در نظر بگیرد. در ادوات دولتی، مدیرعامل تحصیل کرده با مستخدم با سطح تحصیلات پایین، متفاوت است. در امور اقتصادی، تاجر با تجربه با حسابدار شرکت، در یک حد نیستند. افراد متخصص در امور نظامی که استعدادهای ویژه ای دارند، با کارمندان معمولی در یک جایگاه، قرار نمی گیرند و غیره. اما در جو و فضای جنگ و نا امنی، چون مقداری از امکانات و بودجه ها، صرف امور جنگ می شود. و تمام توجه مسوولین و مردم متوجه ادره جنگ می باشد، لذا ممکن است، زمینه ای ایجاد شود که عدالت، اجرا نگردد و در مواردی، اجحاف صورت بگیرد. و ممکن است این امر طبیعی قلمداد گردد. لذا همچنانکه آثار زینبار جنگ، متوجه تمامی قسمتهای یک کشور و دولت می گردد، همانگونه نیز بعد از اتمام جنگ و انعقاد قرارداد صلح، آثار مثبت و سازنده این معاهده -از جمله عدالت- در تمامی بخشها قابل مشاهده می باشد. پس می توان گفت، یکی از آثار صلح و امنیت و آرامش، توسعه عدالت در تمامی زمینه ها، در جامعه اسلامی می باشد.

#### ۴-۳. عمران و آبادی سرزمینها

چنانکه از پیامدهای جنگ، نابودی نسل، ویرانی، خرابی، نا کارآمد شدن تجهیزات و زمینهای قابل استفاده و تخریب بناهای مسکونی و تجاری، صنعتی و نظامی، بهداشتی و آموزشی است. همان گونه نیز از نتایج و آثار صلح و عدم مداخله در امور سایر کشورها، سازندگی و آبادانی، احیاء و بهره وری مناسب از تمام امکانات، استعدادها و ظرفیتهای بالقوه و بالفعل یک کشور اسلامی می باشد. زمان صلح فرصت بسیار مناسبی است که، صنعت را به گونه ای صحیح مدیریت نمود، در استفاده و بهره گرفتن از زمینهای کشاورزی در جهت مکانیزه و صنعتی نمودن کشاورزی و دامداری حرکت کرد. در ارتقاء سطح تعلیم و تربیت در تمامی سطوح، تمام تلاش را بکار گرفت، از ظرفیتهای طبیعی مانند رودخانه-برای ایجاد سدها، دشتها و کوهستانها نباید غافل بود و باید مورد بهره برداری قرار گیرد. در جهت زیبا

سازی و گسترش فضاهای سبز و تفریحی، احداث ساختمانهای مسکونی و شهر سازی به سبک اسلامی، با انتخاب افراد اصلح و متعهد، برای مدیریت سیاسی و دینی کشور اسلامی، برنامه ریزی دقیق، بکار گرفته شود.

### ۵-۳. ایجاد وحدت و همدلی

مدیریت جنگ، کاری بس دشوار و طاقت فرساست. زیرا یک نوع واگرایی و اختلاف، در اکثر زمینه ها، به چشم می خورد: در ادامه جنگ، در تامین هزینه ها و بودجه های مورد نیاز، در نحوه انجام عملیاتها، چگونگی استفاده از جنگ افزارها و محل تهیه آنها، تعداد نیروی انسانی که در جبهه های مختلف مورد نیاز است، اولویتهای مهم در این زمینه، برنامه ریزی منسجم و دقیق در راستای غلبه بر حملات دشمن، راهکارهای قابل اجرا در برخورد با چالشهای غیره منتظره و غیره. دیدگاه های متفاوتی در زمینه ادامه یا توقف جنگ و در دستور کار قرار دادن صلح و متارکه درگیری، وجود دارد. و این دیدگاه های متناقض، ناشی از همین عدم همدلی و واگرایی چشمگیر می باشد. اما با بستری که صلح، در جامعه اسلامی ایجاد می نماید، واگرایی جای خود را به همگرایی، اختلاف جایش را به اتحاد و چند دستگی به یکدستگی و یک رنگی تبدیل می شود. اتحاد باعث افزایش توان و نیروی فوق العاده می گردد. و باعث می شود که، همه افراد در عین داشتن استعداد های متفاوت و سلیقه های مختلف، در یک سمت و سو تلاش نمایند. در نتیجه، با در نظر گرفتن تمامی این آثار و فوایدی که در سایه اتحاد ایجاد میشود، یک نوع اقتدار و عظمتی بی مانند، برای حاکمیت دولت اسلامی شکل می گیرد. و باعث استحکام هرچه بیشتر ارکان نظام اسلامی می شود.

### ۶-۳. غلبه بر نگرانیها و دغدغه ها

با شروع جنگ دو گونه از نگرانی و نا امنی های روانی، قابل مشاهده هست: الف- در بین مسوولین و مدیران ارشد حکومتی و روسای نظامی. این نگرانی ها و دغدغه ها ناشی از چند مسئله می تواند باشد: هزینه های سرسام آور اداره جنگ، چگونگی برخورد با چالشها



و بحرانهایی که در نتیجه ادامه جنگ و حوادث غیر مترقبه اتفاق می افتد، نحوه جبران کمبود اسلحه، مهمات و بکارگیری افراد متخصص در این زمینه، پاسخ مناسب دادن به عملیات روانی دشمن در جهت پیشبرد مقاصد خودشان، تلفات نیروهای خودی و اسیر شدن عده ای از ایشان به دست دشمن، بر خورد با نیروهای نفوذی دشمن در بین مردم، که قصد ایشان نا امید کردن مردم نسبت به پیروزی در جنگ می باشد، چگونگی بر خورد با تحریم های خارجی و با یکوت خبری بیگانگان و غیره.

ب- در میان توده و عوام مردم؛ شامل اموری از قبیل: اشغال شهر و کشورشان توسط دشمن، از بین رفتن فرصتهای شغلی و تحصیلی، در معرض خطر قرار گرفتن جان عزیزانشان، سخت شدن معاش و سر پرستی خانواده، تورم و احتکار اجناس ضروری توسط عده ای فرصت طلب، شبیخون زدن دشمن و غیره. لذا در فضای آرامش و دوری از هیجانات بخاطر برقراری صلح، خیلی از این نگرانیها بر طرف می شود.

### نتیجه گیری

با توجه به اینکه علم حقوق، در بسیاری از موضوعات مختلف از جمله سیاسی، فرهنگی، علمی، نظامی، اقتصادی، اخلاقی، خانوادگی، اجتماعی، قضایی و غیره جایگاهی قابل توجه دارد. و از اهمیت بسیار والایی برخوردار است. لذا آثار حقوقی صلح نیز، دارای تنوع و گستردگی فراوانی می باشد. این آثار را می توان، در چند دسته بر شمرد:

۱. امنیت؛ این موضوع در حوزه های مختلف، جایگاهی محوری در آثار حقوقی صلح را به خود اختصاص داده است. با این وصف، می توان به این موارد اشاره نمود: امنیت سیاسی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی، خانوادگی، قضایی، اجتماعی و زیست محیطی.

۲. عدالت؛ که پایه و اساس تمامی فعالیتهای دولت و مردم می باشد. این عنصر، به عنوان هدفی بسیار بالا و ارزشمند، مورد توجه تمامی حاکمیتها است. و مورد عنایت شهروندان جامعه اسلامی هم می باشد.
۳. تجدید قوای نیروهای نظامی؛ که عاملی محرک، برای تولید هر چه بیشتر امنیت، در تمام سطوح جامعه می باشد. و در کارآمدی و توانمندی نیروهای مسلح، نقشی بسزا ایفاء می نماید.
۴. عمران سرزمینها؛ که در ایجاد روحیه نشاط، بالندگی و سرزندگی مردم آن کشور، تاثیری شگرف می گذارد. و در جذب ثروتهای داخلی و خارجی، سهم زیادی را شامل می شود.
۵. شکل گیری وحدت اسلامی و انسجام ملی؛ که سر چشمه تمامی موفقیتهای دولت اسلامی است. و بهترین راه مقابله با چالشها و بحرانهای مدیریت کلان، در نظام اسلامی می باشد.

## پی نوشت‌ها

۱. صلح بین مسلمانان، جایز است. مگر در مورد آن صلحی که، حرامی را حلال یا حلالی را حرام نماید.
۲. عقد صلح قرار دادی است که، به منظور ریشه کن کردن اختلافها و خصوصتها تشریح شده، چه همراه با اقرار باشد یا همراه انکار.
۳. و کسی که از انحراف وصیت کننده یا از گناه او بترسد، و میان آنها را اصلاح دهد، گناهی بر او نیست...
۴. و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست.
۵. بدرستی که مومنین با هم برادرند پس بین برادران صلح را برقرار نمایید.
۶. ای اهل ایمان همگی از در صلح و آشتی درآید؛ و از گامهای شیطان، پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست.
۷. پس اگر از شما کتاره گیری کرده و با شما پیکار ننمودند، بلکه پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی دهد که، متعرض آنان شوید.
۸. پس تقوای الهی پیشه کنید و بین خودتان صلح و آشتی برقرار کنید.
۹. از آشتی با دشمن وقتی او تو را بدان دعوت می کند و خشنودی خداوند در انست، هرگز روی مگردان، که آشتی مایه آسایش سپاهیان تو و آرام بخش اندوهت و پایه امنیت شهرهای توسست....